

سرشناسه: مارکوزه، هربرت، ۱۹۷۹-۱۸۹۸ م

Marcuse, Herbert

عنوان و نام پدیدآور: تکنولوژی، جنگ و فاشیسم: نوشته‌های منتشر نشده - جلد ۱/۸

هربرت مارکوزه؛ مقدمه و ویرایش داگلاس کلنر؛ ترجمه‌ی اکبر معصومی‌بیگی

مشخصات نشر: تهران: نشر چرخ، ۱۴۰۴

مشخصات ظاهری: ۳۷۹ ص

شابک دوره: ۵ - ۵۰ - ۴۸۶۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

شابک: ج ۱: ۷ - ۳۰ - ۴۸۶۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Technology, war and fascism, 1998

عنوان دیگر: مجموعه‌ی نوشته‌های منتشر نشده

موضوع: تکنولوژی -- فلسفه

Technology--Philosophy: موضوع:

موضوع: علوم سیاسی -- فلسفه

Political science--Philosophy: موضوع:

موضوع: فاشیسم

Fascism: موضوع:

موضوع: نازیسم

National socialism: موضوع:

موضوع: جنگ (فلسفه)

War (Philosophy): موضوع:

شناسه‌ی افزوده: کلنر، داگلاس، ۱۹۴۳ م، ویراستار

شناسه‌ی افزوده: Kellner, Douglas

شناسه‌ی افزوده: معصومی‌بیگی، علی‌اکبر، ۱۳۲۹، مترجم

رده‌بندی کنگره: B۹۴۵

رده‌بندی دیویی: ۱۹۱

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۱۰۳۲۴۰۳۲

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیبا

تکنولوژی، جنگ و فاشیسم

هربرت مارکوزه
نوشته‌های منتشر نشده - جلد ۱

ویراسته‌ی داگلاس کلنر
ترجمه‌ی اکبر معصوم بیگی

نشر چرخ: ناشر علوم انسانی خانواده‌ی فرهنگی چشمه

تکنولوژی، جنگ و فاشیسم

هربرت مارکوزه

نوشته‌های منتشر نشده - جلد ۱

ویراسته‌ی داگلاس کلنر

ترجمه‌ی اکبر معصومی‌کی

ویراستار: حسن مرتضوی

مدیر هنری: فواد قراهانی

همکاران آماده‌سازی: فاطمه نادری، نسرين غفوری، منصوره مهدی‌آبادی

ناظر تولید: رحمان شفيعی

چاپ: نسیم

تیراژ: ۳۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۴۰۵، تهران

شابک: ۷-۳۰-۴۸۶۴-۶۲۲-۹۷۸

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چرخ است.
هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

دفتر مرکزی خانواده‌ی فرهنگی چشمه (تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰)

تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی کریم‌خان (تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶)

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نیش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی کورش (تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۹)

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نیش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی کارگر (تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳)

تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی دانشگاه (تلفن: ۶۶۴۷۹۴۷۰)

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، بین فخر رازی و دانشگاه، پلاک ۱۲۰۶.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی جم (تلفن: ۲۶۴۵۰۸۷۲)

تهران، نیاوران، جماران، مجتمع تجاری جیم‌سنتر، طبقه‌ی دوم، پلاک ۱۱.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی بابل (تلفن: ۰۱۱-۴۴۴۲۳۰۷۱-۲)

بابل، خیابان مدرس، نیش مدرس ۲۱، مرکز خرید پلازا، طبقه‌ی سوم، واحد ۳۱۱.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی دلشدگان (تلفن: ۰۵۱-۳۸۶۷۸۵۸۷)

مشهد، بولوار وکیل‌آباد، بین وکیل‌آباد هجده و بیست (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی دلشدگان آرمیناژ

مشهد، بولوار وکیل‌آباد، بولوار هفت‌تیر، مجتمع تجاری آرمیناژ، طبقه‌ی سوم.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی رشت (تلفن: ۰۹۰-۲۱۴۹۸۴۸۹)

رشت، خیابان معلم، میدان سرگل، ابتدای کوچه‌ی هفدهم.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی البرز (تلفن: ۰۲۶-۳۵۷۷۷۵۰۱)

کرج، عظیمیه، بولوار شریعتی، مرکز تجاری فرهنگی مه‌رادمال، طبقه‌ی پنجم.

www.charkhpub.com



charkhpublication



charkhpublication

کتاب‌فروشی چشمه‌ی آنلاین: www.cheshmeh.ir

تلفن پخش کتاب چشمه: ۷۷۷۸۸۵۰۲

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۱	سرآغاز
۱۷	پیش‌گفتار
۲۱	سپاس‌گزاری و قدردانی
۲۳	درآمد: تکنولوژی، جنگ و فاشیسم
۶۷	۱. برخی پیامدهای اجتماعی تکنولوژی مدرن
۱۰۱	۲. دولت و فرد تحت حاکمیت ناسیونال سوسیالیسم
۱۳۳	۳. تاریخ آموزه‌ی دگرگونی اجتماعی
۱۴۷	۴. نظریه‌های دگرگونی اجتماعی
۱۸۹	۵. ذهنیت جدید آلمانی
۲۵۳	۶. توصیف سه پروژه‌ی مهم
۲۶۱	۷. ملاحظه‌هایی چند درباره‌ی آراگون
۲۸۳	۸. ۳۳ تز
۲۹۹	۹. نامه‌هایی به هورکهایمر
۳۳۱	۱۰. هایدگر و مارکوزه
۳۳۹	یادداشت‌ها
۳۷۳	نمایه

این مجلد از آثار منتشرنشده‌ی هربرت مارکوزه به موضوعی اختصاص دارد که در اوضاع و احوال حاکم بر اکنون جهان پریشیده‌ی ما چون هوای مسمومی است که در آن دم می‌زنیم، و آن همانا پیوند میان «تکنولوژی»، «جنگ» و «فاشیسم» است. شاید ارتباط میان جنگ و فاشیسم به سبب خوی جنگ‌طلبانه‌ی فاشیسم و ستایش بی‌پروای آن از خشونت عربیان، زاینده‌ی و نیروی پالاینده‌ی خشونت در رویارویی با هر گونه سستی و روحیه‌ی خمودگی، بر صدر مصطبه نشانیدن ارزش‌های مردانگی و قلدرمنشی، روی گرداندن از هر گونه اتوپیا و نگرستن به افق دور، گردن نهادن بر واقعیت نفس‌الامری حی و حاضر، ستایش نژاد و خون و ژن و فرهنگ برتر، عناد ذاتی با روحیه‌ی صلح‌طلبی، ستایش قدرتمندان و نکوهش ضعیفان و برخاک افتادگان برای بسیار کسان آشنا باشد، اما موضوعی که مارکوزه در این مجلد به آن می‌پردازد ارتباط میان جنگ و فاشیسم با تکنولوژی است. مارکوزه از نخستین نظریه‌پردازان انتقادی شکل‌های نوین تکنولوژیکی و سیاسی در جامعه‌های صنعتی پیشرفته است. گرچه بیش‌تر وقت‌ها او را در زمره‌ی فیلسوفان سنت فلسفه‌ی کلاسیک آلمان شمرده‌اند،

او خود را هرگز فقط فیلسوف نمی دانست و همواره تأکید داشت آرایش آمیزه‌ای است دیالکتیکی از نظریه‌ی سیاسی و فلسفه؛ چنان که کتاب خرد و انقلاب او نمونه‌ی روشن این تلفیق سنت کلاسیک ایدئالیسم آلمانی و نظریه‌ی سیاسی مارکسی است. او در عین حال همواره بر سهم فلسفه و اندیشه‌ی فلسفی در نظریه‌ی سیاسی و چه بسا تلفیق نظریه‌ی سیاسی، فلسفه و روان‌کاوی پامی فشرده؛ چنان که اروس و تمدن نمونه‌ی برجسته‌ی این هم‌آمیزی دیالکتیکی ماتریالیستی است. بنابراین، در یک کلام، آثار منتشر نشده‌ی مارکوزه و موقعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی‌ای که او بدان پاسخ می‌گفت در سه زمینه درخور بررسی است: ۱) آورده‌ی نوآورانه‌ی او به فلسفه و نظریه‌ی اجتماعی و سیاسی، سوای نظریه‌ی زیباشناختی او که در کتاب پیشین همین مجموعه، هنر و رهایی، به تفصیل بررسی شد؛ ۲) پروژه‌ی سیاسی او مبنی بر ضرورت دگرگونی رادیکال که در وهله‌ی نخست خوشبختی و بیگانگی‌زدایی از انسان با خودبیگانه را پیش چشم دارد؛ ۳) افقی که او از جامعه‌ای بدیل و رهایی انسان از همه‌گونه بندها و غل‌های اسارت‌باری که انسان را با همه‌ی پیشرفت‌های عظیم تکنولوژیکی به بند کشیده است در ذهن دارد، در عین حال که ظهور نامیون فاشیسم و راست افراطی انسان را به نابودی تمام‌عیار تهدید می‌کند. کتاب حاضر به این جنبه از کار مارکوزه می‌پردازد.

از ۱۹۴۲ تا اواخر همان دهه، جنگ بی‌زنهار با نازیسم و فاشیسم فرصتی برای مارکوزه فراهم آورد که در ضمن کار خود در برخی از نهادها، به ریشه‌های فاشیسم آلمانی بپردازد و در ضمن جستارهای مهمی که درباره‌ی ارتباط میان فاشیسم و تکنولوژی می‌نوشت، بررسی‌های تاریخی و نظری خود را به چنان ابعادی گسترش بخشید که آثار بعدی او از تأثیر و نفوذ آن بر کنار نماند. آثار او در دهه‌ی ۱۹۴۰ شناخت تاریخی بنیادی‌ای از فاشیسم آلمان و شالوده‌ی تاریخی - تجربی نیرومندی برای اندیشه و نوشته‌های سپسین او فراهم می‌آورد که در سیر بعدی تمامی کاروبار او در زمینه‌ی جوامع «دموکراتیک» سهمی اساسی دارد. شناخت او از فاشیسم و روندهای اصلی در جوامع صنعتی مارکوزه را به این نتیجه رساند که، بر خلاف گمان برخی صاحب‌نظران، فاشیسم در جوامع لیبرال دموکرات نه موردی استثنایی در

اوضاع و احوال استثنایی یا در مقابله با فلان ایدئولوژی یا اردوگاه بلکه روندی اصلی است که یا خود را در سلیح کامل به هیئت عریان فاشیسم ایتالیا، نازیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن به رخ می‌کشد و نمادها و دشمنان پنداری خود را دارد (که گاه در جامه‌ی سامی‌ستیزی پدیدار می‌شود و گاه مانند زمانه‌ی مادر زی مهاجریستیزی یا ستیزی با هر دشمن پوشالی دیگری) یا آن‌که در هر برهه‌ی بحرانی در اقتصاد نظام سرمایه‌داری در میان رقیبان پیروزمند به جست‌وجوی دشمن برمی‌آید. برای خواننده‌ی فارسی‌زبان «۳۳ تز»، «ذهنیت جدید آلمانی» (و پی‌افزوده‌های مشیع و بسیار سودمند آن)، «دولت و فرد تحت حاکمیت ناسیونال‌سوسیالیسم» و «نظریه‌های دگرگونی اجتماعی» حاوی دیدگاه‌های تازه و تخیل‌انگیزی است که در موقعیت کنونی جهان، که بر لبه‌ی پرتگاه فاشیسم، مهاجریستیزی، نوامپریالیسم و نواستعمار قرار گرفته است، به علت مایه‌های نظری استوار آن بسیار مغتنم است، خاصه در اوضاع و احوال خطیری که به سبب ضعف نیروهای چپ، مترقی و کارگری، نیروهای دست‌راستی افراطی میدان‌دار عرصه‌ی سیاست شده‌اند. «برخی ملاحظه‌ها درباره‌ی آراگون: هنر و سیاست در عصر تمامت‌خواهی» به یکی از بزرگ‌ترین رمان‌های عاشقانه‌ی سده‌ی بیستم در گیرودار بزرگ‌ترین جنگ تاریخ بشر می‌پردازد و حاوی دیدگاه‌های متفاوت و بحث‌انگیز مارکوزه در زمینه‌ی ادبیات و هنر است. پایان‌بخش این مجلد مکاتبات مارکوزه با ماکس هورکهایمر و نامه‌نگاری مختصر اما سرد و تصفیه‌حساب‌وار و عبرت‌آموز مارکوزه با استاد سابق خود مارتین هایدگر است.

خواننده‌ی فارسی ممکن است در برخی موارد با تعقیدی در کلام مارکوزه روبه‌رو شود. شاید کم‌تر کسی مانند پیتر مارکوزه، پسر مارکوزه، که خود سراسر در سنت آکادمیایی انگلوساکسون بار آمده، به طنز و طعنت، این تفاوت نحوه‌ی نگارش «لقمه از پس سر در دهان نهادن» را از نحوه‌ی نگارش فلسفی و نظری در بریتانیا و ایالات متحد آمریکا در مجلد ۲ این مجموعه روشن کرده باشد (ترجمه‌ی این مجلد به‌زودی تقدیم خواهد شد). باری، در کتاب حاضر نیز داگلاس کلنر به تفصیل درباره‌ی جستارها و مقاله‌های گردآمده در این مجلد سخن می‌گوید و ابعاد گوناگون هر قلم از این نوشته‌ها را روشن می‌کند.

داگلاس کلنر استاد برجسته‌ی فلسفه در دپارتمان‌های آموزش، جنسیت‌پژوهی و زبان‌های آلمانی است و در دانشگاه تگزاس در آستین تدریس می‌کند و آثار بسیار در زمینه‌ی نظریه‌ی انتقادی جامعه دارد. کلنر نویسنده‌ی بسیاری آثار درباره‌ی نظریه‌ی اجتماعی، سیاست، تاریخ و فرهنگ است که از آن میان می‌توان به این‌ها اشاره کرد: هربرت مارکوزه و بحران مارکسیسم، فرهنگ رسانه‌ای و نظریه‌ی اجتماعی، ماجراجویی‌هایی در نظریه‌ی مارکسیستی: بازسازی مارکسیسم در عصر کنونی، جنگ‌های سینمایی: سینما و سیاست هالیوود در عصر بوش - چینی، نمایش پرطمطراق رسانه‌ای و بحران دموکراسی: تروریسم، جنگ و آوردگاه‌های انتخاباتی، مارکسیسم و مدرنیته. همه‌ی پانویشت‌ها و عبارات داخل { } از مترجم است و پی‌نوشت‌های کلنر در پایان کتاب آمده است.

در رفع برخی مشکلات متن دوستان ارجمندم مریم موسوی و مرصده صالح‌پور مددکارم بوده‌اند، نهایت سپاس من نثار این دو عزیز.

سرآغاز

پیتر مارکوزه

بسیار خرسندم که از میان آثار منتشرنشده‌ی پدرم سرانجام این مجموعه‌نوشته‌ها در دسترس همگان نهاده می‌شود، آن هم به قواره‌ای که توأمان در دسترس خواننده‌ی علاقه‌مند عام و پژوهندگان باشد. به گمانم انتشار این نوشته‌ها امروزه بسیار بجا و بموقع‌اند. اهمیت این نوشته‌های بازمانده از چند جهت تردیدبردار نیست: آورده‌ی فکری مکتب فرانکفورت در شکل‌گیری و تکوین نظریه‌ی اجتماعی انتقادی، و سهم پدرم هم در تاریخ فکری و هم سیاسی تاریخ چپ نو (که هرگز این دو وجه را جدا از یکدیگر نمی‌دانست) و جنبش‌های گوناگون زمانه‌ی مادر هر کوششی برای ارزیابی امکانات دگرگونی اجتماعی پیشرو مهم‌اند.

اما ارج و اهمیت پاره‌هایی که در این مجلد فراهم آمده‌اند فراتر از جنبه‌ی تاریخی آن‌هاست. روی سخن این نوشته‌ها با موضوع‌هایی در نوک پیکان بحث و نظر اجتماعی اوضاع کنونی است. این جا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نمونه‌های برجسته‌ی گفتمان‌کاوی { = تحلیل گفتمان } در پاره‌هایی که هم به تبلیغات فاشیستی می‌پردازند و هم به ابزارهای پیکار با آن.

- آورده‌های فکری برای روشننگری در زمینه‌ی «جنگ‌های فرهنگی» (در پاره‌هایی که به سامی ستیزی، شخصیت آلمانی و اوضاع و احوال فرهنگی‌ای در غرب می‌پردازند که امکان پیدایش فاشیسم را فراهم آوردند).

- یادداشت‌ها و تذکراهایی درباره‌ی دگرگونی اجتماعی که در بافت و تافت شکست سوسیالیسم واقعاً موجود و بازنگری در سوسیال‌دموکراسی بحث‌انگیز شدند.

و آن‌گاه به پرسشی بی‌اندازه دشواری آفرین برمی‌خوریم: آیا فاشیسم وصله‌ی ناجوری خارجی (به هر دو معنای کلمه) است پیوند خورده با بدنه‌ی اصلی دموکراسی لیبرال غرب که فقط با ضعف جمهوری وایمار و رکود بزرگ {—دهه‌ی ۱۹۳۰} امکان ظهور یافته و دموکراسی‌های غربی طردش کرده و با چنگ و دندان با آن جنگیده‌اند، یا نکند پیامد گرایش‌های درونی خود این دموکراسی‌هاست؟ در این تحلیل حتی گرایشی نهفته است که فاشیسم را حاصل بسط منطقی بیش‌تر دموکراسی‌ها درون سامانه‌های اجتماعی و اقتصادی حاکم می‌داند. این اشارات البته در زمینه‌ی سقوط وایمار، گرایش‌های فاشیستی قدرتمند در ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، حتی بریتانیا، ابهام‌ها و ناروشنی‌هایی در خصوص جنگ و مرحله‌ی آغازین جنگ سرد و مکتب‌کارسیسم در ایالات متحده آمریکا سر برآورد. پدرم همیشه هر گونه اظهارنظری را در این باره که شرایط در ایالات متحده، در بدترین اوضاع سیاسی آن، به نحوی بوده باشد که بتوان بر آن انگ «فاشیستی» زد یا آن را با نازیسم قیاس کرد به قوت مردود می‌شمرد. با این همه، این پرسش که آیا گرایش‌های اقتدارطلبانه (یا گرایش‌های بی‌سامان آشوبناک، همچنان که در بهیموث فرانتس نویمان) با دیگر سویه‌های دموکراسی‌های تراز غربی موجود پیوندی وثیق و تمام‌وکمال دارند همچنان پرسشی بی‌پاسخ و دشواری آفرین باقی می‌ماند.

در این نوشته‌های بازمانده البته شرح حال شخصی با رویدادهای فکری و سیاسی در هم تنیده است. ما بر سر این موضوع بحث کردیم که آیا نامه‌ها در این مجلد می‌گنجند یا نه؛ آیا برخی از آن‌ها اصلاً باید در این جا منتشر شوند؟ پدرم اهمیت زیادی برای خلوت و حریم خصوصی قائل بود، هم

به صورت خصیصه‌ای منشی و هم به عنوان جلوه‌ای سیاسی از مقاومت در برابر کالایی‌سازی امر خصوصی. با این همه، نامه‌ها در بردارنده‌ی بحث و جدل‌های اساسی‌ای نیز هستند. می‌توانستیم برخی مواد را حذف و برخی دیگر را تنقیح کنیم. با آن‌که هر نامه‌ای را که پدرم نوشته منتشر نمی‌کنیم (در واقع بیش‌تر این نامه‌ها دیگر موجود نیستند؛ او کاغذهایی را که دیگر نیازی به آن‌ها نداشت نگه نمی‌داشت)، گزیده‌ی ما از این نامه‌ها بر اساس ارجح و اهمیت آن‌هاست، و هر نامه‌ای که در این مجموعه آمده تمام و کمال منتشر می‌شود.

این تصمیم برای شخص من تا حدودی دردناک بود. در کنار هم قرار گرفتن نامه‌های پدرم به هورکهایمر و مکاتبه با هایدگر این نکته را برجسته می‌کند. من در اوایل نوجوانی بودم که بیش‌تر نامه‌هایی که این‌جا منتشر می‌شوند نوشته شدند، اما برخی نکته‌ها را بسیار خوب به یاد دارم. به خاطر دارم که روابط شخصی میان چند تن از اعضای مؤسسه و رهبری آن یکسر متفاوت با روابط فکری میان آن‌ها بود. هنگامی که مؤسسه در نیویورک مستقر بود، هورکهایمر در اسکارزدل به سر می‌برد و هنگامی که مؤسسه در لس‌آنجلس استقرار داشت او در پاسیفیک پالاسیدز، در بهشت رؤیایی از ما بهتران، سر می‌کرد. سبک زندگی تشریفاتی بود، با پیشخدمت‌های تاق و جفت. انتظار می‌رفت که دیدوبازدید بچه‌ها (اگر اصلاً آن‌ها را همراه خود می‌آوردند) آرام و دور از انتظار باشد. اعضا همدیگر را siezt (= خطاب رسمی دوم شخص) و با واژه‌ی رسمی شما (you) خطاب می‌کردند، گرچه بیش از ده سال (با زحمت و مرارت کمرشکن) با یکدیگر کار کرده بودند. مؤسسه با روندی دموکراتیک اداره نمی‌شد: هورکهایمر، با مشورت پولاک، زمام همه‌ی تصمیمات اجرایی (از جمله امور مالی) را به دست داشت. مادرم و نویمان و همسرش (گمان نمی‌کنم گزافه بگویم، گرچه آن ایام جوان بودم و فقط گاه‌گاه ناخنکی به بحث‌ها و جدل‌ها می‌زدم) امیدی نداشتند که از وابستگی به مؤسسه خلاص شوند. فرانتس نویمان بی‌باکانه و خشم‌آگین به دنبال شغلی در واشینگتن بود، نه از آن‌رو که مؤسسه پولی برایش در بساط نداشت، بلکه چون دیگر طاقش طاق شده بود و نمی‌خواست در مؤسسه بماند. مادرم از پدرم می‌خواست که

او هم همین کار را بکند. یادم هست یکبار در پای نامه‌ای از مادرم در سانتامونیکا به پدرم در واشینگتن، پس از آن که به جست‌وجوی موقعیتی شغلی به آن جا رفته بود، بعدالتحریری نوشتم که در آن گفتم همه‌ی ما با کمال میل منتظریم که به آن جا برویم، و مادرم از این بابت چه قدر خوشحال شد. به گمانم آن‌ها در این باره بحث کرده بودند؛ تصمیم میان الاکلنگ کِشِ مادرم (و خانواده‌ی نویمان) و واکش هورکهایمر و پولاک گرفته شد.

با این همه، نامه‌های پدرم به هورکهایمر تردیدی عمیق در این حرکت است و از هیچ‌یک از تنش‌هایی که من در خانه حس کردم حکایت ندارد. پدرم در نامه‌های خود به هایدگر از جدایی‌ناپذیری امر شخصی و امر سیاسی سخن می‌گوید، و در روابطش با دیگران، هنگامی که پای سنجش و ارزیابی به میان می‌آید، همواره نخست سنجه‌ی «ادب و نزاکت»^۱ را ملاک قرار می‌داد. با این همه، در این مورد، با گروه رهبری مؤسسه، قضیه فرق می‌کرد. بعدتر، هورکهایمر و آدورنو به آلمان بازگشتند و، به‌ویژه هنگامی که هر دوسر از حمایت از موضع ایالات متحد آمریکا در قبال ویتنام درآوردند و در برابر جنبش ضدجنگ دانشجویان موضعی کاملاً ناهم‌دلانه و بلکه در واقع از سر بدفهمی اختیار کردند، سرانجام شکاف و گسستی دست داد. من در جایگاهی نیستم که بگویم آیا این شکاف بازتابی از سوگیری‌های فکری آن‌ها در سال‌های دهه‌ی ۱۹۴۰ بود یا خیر؛ مواد و مصالحی که در این کتاب فراهم آمده‌اند پرتویی بر این پرسش می‌افکنند. نامه‌هایی که این جا منتشر می‌شود، خواندن آن چه گفته نشد و نیز آن چه گفته شد، تا حدودی برای من دردآور بود.

این نخستین مجلد در چاپ و انتشار مجموعه‌ی برنامه‌ریزی‌شده‌ی شش جلدی از نظرگیرترین نوشته‌هایی است که در پوشه‌های پدرم پس از مرگ او یافته شده است. اگر قرار بر این بود که همه‌ی این نوشته‌ها را منتشر کنیم، مجموعه‌ی حاضر سر به شانزده جلد می‌زد. البته آن چه در این میان بر جا مانده و منتشر نمی‌شود اهمیت بسیار کم‌تری دارد: پیش‌نویس‌های

مکرر برگه‌نوشته‌ها، مکاتبات مربوط به کسب‌وکار، فهرست مواد خواندنی و مانند آن. نوشته‌های برجامانده در بایگانی نوشته‌های مارکوزه و کتابخانه‌ی دانشگاه فرانکفورت در دسترس پژوهندگان علاقه‌مند قرار خواهد گرفت. مطالب منتشرشده هم از جهت مضمون و هم بر حسب دوره سامان یافته است؛ پیش‌گفتار داگلاس کلنر نمایی کلی از این طرح به دست می‌دهد. امیدواریم این مجموعه تا زمان تکمیل به فاصله‌ی هر کتاب یک سال منتشر شود. از انتشارات راتلج بابت تمایلی که برای بر عهده گرفتن این طرح بزرگ نشان دادند و به خاطر روحیه‌ی معاضدت و مددکاری برای به ثمر رساندن این مجموعه سپاس‌گزاریم.

شخصاً خرسندم که داگلاس کلنر تمایل نشان داد این وظیفه را بر عهده بگیرد. داگ کلنر در جنبش دانشجویی‌ای فعالیت می‌کرد که تحت تأثیر پدر من بود و نخستین بار هنگامی با او دیدار کرد که در دهه‌ی ۱۹۶۰ در دانشگاه کلمبیا دانشجوی فلسفه بود. او و دیگر کنشگران دانشجوی جوان آن دوره سخت تحت تأثیر اندیشه‌ی پدر من بودند، و داگ در دهه‌ی ۱۹۶۰ کار نوشتن پژوهشی را آغاز کرد که سرانجام به انتشار کتاب او در ۱۹۸۴ با عنوان هربرت مارکوزه و بحران مارکسیسم (۱) انجامید. کلنر همچنین یکی از نویسندگان مهمی بوده که با نوشتن کتاب‌هایی چون نظریه‌ی انتقادی، مارکسیسم و مدرنیته، (۲) نظریه‌ی انتقادی و جامعه: گزینه‌ی گفتارها، (۳) نوشتن مقاله‌هایی درباره‌ی نظریه‌ی انتقادی و به راه انداختن وبسایت مکتب فرانکفورت باعث حفظ و گسترش سنت مکتب فرانکفورت در کشورهای انگلیسی‌زبان شده است. بنابراین خوشحالم که او موافقت کرد تا در انتشار نوشته‌های پدرم مشارکت کند.